

درباره "ماده 61" فیلمی از مهوش شیخ الاسلامی

Photo By: <http://www.imna.ir>

فرحناز شریفی

آلت قتاله زنانی که در دفاع از ناموس خود یا به گفته "ماده 61" قانون مجازات اسلامی در دفاع از آزادی تن خود مردی را به قتل می‌رسانند، چه می‌تواند باشد؟ بستگی دارد که زن در چه مکانی و در چه موقعیتی باشد که به او به قصد تجاوز حمله شده است. چاقو، یک میله فلزی، یک تکه شیشه و گاهی یک ابزار کاملاً زنانه، آنچه که تمامی زنان ما در خیابان به سر دارند، یعنی یک روسری! شاید وقتی هر روز در هنگام بیرون آمدن از خانه روسری مان را زیر گلو گره میزنیم، به این فکر نکرده باشیم که با همین یک تکه پارچه میتوان کسی را کشت! اما در فیلم "ماده 61" زنی تعریف می‌کند که با روسری اش، همسرش را به قتل رسانده است.

صفحات حوادث روزنامه‌ها را شاید هیچ تاریخ‌نگاری بستری برای روایت دوره‌ای از تاریخ کشورش نکرده باشد، اما این صفحات، این اتفاقات، بخشی از تاریخ ماست. تاریخ خشونت‌ها، تاریخی است که می‌تواند حامل درصد ناآرامی و بیماری‌های یک جامعه باشد گرچه اگر مجبور شده باشید برای کاری دست به تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای بزنید، حتما متوجه شده‌اید که وضعیت آمار به ویژه در مورد مسایل اجتماعی ایران، وضعیت قابل توجه و اتکایی نیست که بتوان از آن به عنوان یک فاکت معتبر علمی استفاده کرد و گاه آنقدر دور از واقعیت است که قابل چشم‌پوشی است. اگر تعداد زنانی که در دفاع از خود، مردی را به قتل رسانده‌اند، افزایش می‌یابد، پس تعداد مردانی که میل به تجاوز دارند، افزایش یافته است. این که چرا درصد وقوع انواع گوناگونی از جرم‌ها روز به روز بالاتر می‌رود (نه فقط در ایران البته) به بررسی جرم‌شناسان، پژوهشگران و نهادهای مربوطه نیازمند است، اما اخبار بسیاری از فجایعی که هر روزه در دنیا اتفاق می‌افتد و از آن جمله در ایران، در هیچ رسانه‌ای منعکس نم‌یشود. رسانه‌ها بیشتر مردم را به آنچه که اتفاقات و فجایع بزرگ بشری می‌پندارند، مشغول می‌کنند. آنچه که به نبرد قدرت‌ها مربوط است. خرده روایت‌هایی در این میان به دست فراموشی سپرده می‌شوند و در بایگانی‌ها خاک می‌خورند. فیلم "ماده 61" می‌خواهد راوی چند خرده روایتی باشد که شاید از آنها در بعضی از روزنامه‌ها سخنی رفته باشد، اما معضل اساسی هنوز باقیست. چندان قصد پرداختن به ساختار بصری و فیلمیک این مستند را ندارم. به نظر مسئله‌ای که فیلم مطرح می‌کند، آنقدر ضروری و مهم است که مسایل دیگر را در حاشیه قرار می‌دهد. گرچه این مسئله باعث نمی‌شود که ضعف تدوین فیلم، گاهی دیده نشود اما ساختار مصاحبه محور و ساده فیلم به مخاطب مجال تمرکز بر حرف‌ها و درگیری با داستان شخصیت‌های فیلم را می‌دهد.

فیلم، مجموعه سرگذشت یا شاید بهتر باشد بگویم مجموعه داستانی ست از چند زنی که در موقعیت‌های متفاوتی چند مرد را کشته‌اند. اینجا "قاتل" موجودی نیست که با انگیزه قبلی و نقشه‌ای از پیش تعیین شده دست به قتل زده باشد. عمدتاً این زنان غیر از موقیت قتل (زمان وقوع آن) به طور مستقیم و غیر مستقیم، تحت خشونت قرار داشته‌اند خشونت بدنی، روانی، جنسی، اجتماعی و حتی اقتصادی. قربانی اصلی این قتل‌ها، در واقع خود زن و بعد سلامت و امنیت خانواده اوست. اگر در سنت داستان گویی مشرق زمین، زن برای مرد داستان می‌خواند تا او را خواب کند و شبی دیگر به زندگی خویش ادامه دهد، در این فیلم، زنان داستان مردانی را می‌گویند که ناخواسته آنان را به دنیایی دیگر فرستاده‌اند و ما (مخاطب) داستان‌هایشان را می‌شنویم و خواب از سر ما می‌پرد!

ماده 61 قانون مجازات اسلامی، در سال 1370 توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید تا به مدت 5 سال به طور آزمایشی اجرا شود، اما در سال 1375 دوباره تمدید شد. اینجا از بازگویی این ماده قانونی خودداری می‌کنم اما با خوانش و بررسی این قانون متوجه می‌شویم که قاضی میتواند با بررسی درست پرونده‌های زنانی که در دفاع از خود مرتکب قتل شده‌اند از قصاص آن‌ها جلوگیری کند و در شرایطی عادلانه‌تر حکم آزادی آنها را صادر کند. اما متأسفانه سال‌های زیادی از عمر زنانی که به این جرم در حبس به سر می‌برند، اینگونه تلف می‌شود. برآستی اگر مادری همسرش را در حین تجاوز به دخترش ببیند، چه واکنشی نشان می‌دهد؟ اگر مرد از زن درخواست کند که اجازه بدهد با دخترش رابطه جنسی داشته باشد چه؟ اگر زنی در موقعیت تجاوز توسط دوست همسرش قرار بگیرد، چه واکنشی باید نشان دهد؟ اگر بپذیرد، آنگاه برای اثبات ادعایش که به وی تجاوز شده باید چند شاهد عاقل و بالغ بیاورد که در صحنه تجاوز حضور داشته و این عمل را دیده‌اند که عملاً چنین چیزی امکان‌ناپذیر است. اگر زن بپذیرد و دم برنیاورد می‌توان او را زناکار دانست و سنگسارش کرد. اگر از خود دفاع کند و به خشونت متوسل شود، ممکن است به قتل متجاوز بینجامد که تازه آغاز ماجراست و وی سالها باید منتظر حکمی بماند که عادلانه نیست و باقی زندگی اش را تباه میکند. به راستی چه باید کرد؟

دیدن فیلم "ماده 61" دوباره تمامی این سوالات را در ذهنم زنده کرد. اگر قانون، ابزاری است برای تضمین امنیت جنبه‌های مختلف زندگی آدمیان، فارغ از جنسیت و طبقه، آیا دیگر در قرن بیست و یکم زمان آن نرسیده است تا با رویکردهای تازه‌ای در سیاست‌های کیفری و دیدگاه فقها، و با کمک حقوقدانان و پژوهشگران، هوای تازه‌ای به این قوانین دمیده شود؟ تا قوانینی به روزتر و متناسب با شرایط امروزی جامعه ما داشته باشد؟

در چنین شرایطی ساخته شدن مستندهایی چون " ماده 61 " که حتی نامی برای خود برمی گزیند تا مخاطب را با مسایل حقوقی این معضل درگیر کند، ارزشمند است. گرچه عده زیادی از مردم متاسفانه مخاطب این فیلم نیستند اما نگاه و دقت مهوش شیخ الاسلامی به پیرامونش جای تقدیر دارد.

منبع: [انسان شناسی و فرهنگ](#)

من